



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Legal Challenges and Executive Solutions of Judicial Supervision

Hassan Pyshnamaz Ahari¹, Masoud Bassami*², Touran Tavasolizadeh³

1. PhD Student, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Islamabad West Branch, Islamic Azad University, Islamabad West, Iran.
(Corresponding Author)

3. Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 231-241

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2465-3332

TELL: +989188577710

Email: mb.bassami@iau.ac.ir

Article history:

Received: 05 Mar 2024

Revised: 12 May 2024

Accepted: 02 Aug 2024

Published online: 22 Sep 2024

Keywords:

Appointment of Judicial Supervision, Principle of Innocence, Social Rights, Individual Freedoms.

ABSTRACT

The order of judicial supervision is one of the important issues in order to limit the order of temporary detention and realize the principle of de-incarceration. The issue of the challenges of this type of dating is one of the topics that has been less studied and paid attention to. Based on this, the purpose of this article is to examine this important question, what are the challenges and solutions of judicial supervision? The method of this article is descriptive and analytical and the mentioned question has been investigated in a library. The findings indicate that judicial supervision appointments will limit the defendant's liberties according to the law, but this restriction is milder and has more of a deterrent aspect and the violation of the principle of innocence and office regarding the notification of competent authorities in the matter of issuing a certificate, the lack of clarity about the weapons, the responsibilities of different institutions in issuing a ban on leaving the country, ignoring the principle of the legality of the crime and the order to ban the beyond the law are among the most important challenges of judicial supervision. The need to be independent and non-complementary in the nature of the legal supervision appointment and paying attention to the implementation procedures and creating a cultural platform for the implementation of appointments is one of the most important ways to solve the challenges of the judicial supervision appointment.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Pyshnamaz Ahari, H; Bassami, M & Tavasolizadeh, T (2024). "Legal Challenges and Executive Solutions of Judicial Supervision". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(3): 231-241.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

چالش‌های قانونی و راهکارهای اجرایی قرار نظارت قضایی

حسن پیشنماز اهری^۱، مسعود بسامی*^۲، توران توسلی‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

قرار نظارت قضایی از موضوعات مهم در راستای محدودشدن قرار بازداشت موقت و تحقق اصل حبس‌زدایی از اهمیت بالایی برخوردار است. مسأله چالش‌های این نوع قرارها از موضوعاتی است که کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال مهم است که چالش‌ها و راهکارهای قرار نظارت قضایی کدام است؟ روش این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و به‌صورت کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته شده است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که قرارهای نظارت قضایی به‌موجب قانون باعث تحدید محدوده آزادی‌های متهم خواهد شد، اما این محدودیت خفیف‌تر بوده و بیشتر جنبه بازدارندگی دارند و ناظر بر حضور و فعالیت‌های اجتماعی می‌باشند. علاوه بر این، اصل عدم استقلال، نقض اصل برائت و محدودیت آزادی‌های فردی و حقوق اجتماعی، مشخص‌نبودن مرجع مربوطه در صدور قرار معرفی نوبه‌ای، مشخص‌نبودن وظیفه دادسرا درخصوص اطلاع مراجع ذی‌صلاح در امر صدور گواهی‌نامه، مشخص‌نبودن مرجع نگهداری سلاح در صدور قرار ممنوعیت از سلاح مجوزدار، مشخص‌نشدن وظایف نهادهای مختلف در صدور قرار ممنوعیت خروج از کشور، نادیده‌گرفته‌شدن اصل قانونی‌بودن جرم و دستور منع فعالیت متهم در حوزه‌های فراتر از قانون از مهم‌ترین چالش‌های قرار نظارت قضایی است. ضرورت مستقل‌بودن و تکمیلی‌نبودن ماهیت صدور قرار نظارت قانونی و توجه به تشریفات اجرا و ایجاد بستر فرهنگی اجرایی‌شدن قرارها از مهم‌ترین راهکارهای رفع چالش‌های قرار نظارت قضایی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۳۱-۲۴۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۳۳۳۲-۲۴۶۵-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۸۸۵۷۷۷۱۰

ایمیل: mb.bassami@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

قرار نظارت قضایی، اصل برائت، حقوق اجتماعی، آزادی‌های فردی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

در دوران متمادی بازداشت متهمین در مرحله قبل از محاکمه با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود و به این دلیل که فرد صرفاً در مظان اتهام قرار داشت و هنوز محکوم نشده بود، از این‌رو سلب آزادی وی از منظر مجامع عمومی و حقوقی دارای وجهت قانونی نبود. همچنین سلب آزادی همراه با اعمال هزینه‌های شدید با مبانی مسلم حقوق کیفری مثل اصل برائت در تناقض بود، یکی دیگر از عواملی که کم‌کم بستر را برای به رسمیت‌شناختن حق آزادی افراد به‌خصوص در دادرسی‌های کیفری مهیا نمود، ملاحظات حقوق بشری و احترام به آزادی افراد و نقض حداقلی این حق بود. از این‌رو رفته‌رفته تفکرات منطبق با اتخاذ مقرره‌هایی که منتهی به محدودیت در آزادی اشخاص گردد، به‌جای مجازات‌های سالب آزادی پا به عرصه وجود گذاشت، این تفکرات نو در راستای پاسخ به انتقادات گسترده‌ای که در سطح جهانی به مجازات حبس و اثرات سوء آن می‌باشد، لزوم به‌کارگیری مجازات‌های جایگزین حبس را قوت بخشید و به‌خصوص سازوکارهای قبل از محاکمه را زیر سؤال برد. با ملاحظه این انتقادات و ضمن توجه به وضعیت نامناسب کسانی که در بازداشتگاه‌ها بازداشت می‌شدند، سبب شد تا اسناد بین‌المللی به‌صورت عام و نه با اشاره مستقیم و به‌طور خاص به‌عنوان نوینی به نام قرار نظارت قضایی، اعتبار بخشد و آن را به عنوان یک ضرورت در جایگزین‌های بازداشت موقت به رسمیت بشناسد. در حقوق ایران مطابق ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری «بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند: ۱- معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین‌شده توسط بازپرس؛ ۲- منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری؛ ۳- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی؛ ۴- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز؛ ۵- ممنوعیت خروج از کشور. تبصره ۱: در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضایی می‌تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفا کند؛ تبصره ۲: قرارهای موضوع این ماده ظرف ده‌روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنان‌چه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده‌روز، قابل اعتراض در دادگاه

تجدید نظر استان می‌باشد.» قرارها اصولاً به‌عنوان محدودکننده آزادی متهم و وسیله‌ای برای تضمین حضور او به‌جهت حفظ حقوق جامعه و بزه‌دیده به‌شمار می‌آیند (خالقی، ۱۳۹۱: ۱۹۱). یکی دیگر از اهداف و فلسفه‌های تأسیس قرارهای نظارت قضایی ضمن تأمین منافع متهم، توجه به حقوق بزه‌دیده می‌باشد که به صراحت در بندهای «الف» و «ب» ماده ۲۴۷ قانون جدید آیین دادرسی کیفری اشاره شده است. با بررسی این دو بند مهم‌ترین خواسته بزه‌دیده که جلوگیری از فرار، مخفی‌شدن و یا امحای آثار جرم و یا تبانی با شرکا و معاونین متهم است، تأمین می‌گردد (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۹). همچنین در ماده ۲۴۷ این قانون برای جبران ضرر و زیان‌های احتمالی بزه‌دیده، قانون‌گذار، مقام قضایی را مکلف می‌نماید در صورت وجود ظن قوی، علاوه بر قرارهای نظارت قضایی، قرارهای تأمین را نیز برای تأمین منافع بزه‌دیده صادر نماید. باتوجه به تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اعمال تغییرات و ایجاد تأسیسات جدید در آن رابطه در قرارهای تأمین و تأسیس حقوقی قرار نظارت قضایی در آن، ضروریست با انجام تحقیقات علمی ابعاد مختلف این قرارها به‌خصوص نظارت قضایی مورد بررسی قرار می‌گیرد، محاسن و معایب آن‌ها مشخص و درجهت رفع آن توسط مراجع قانون‌گذار اقدام گردد. هدف مقاله حاضر بررسی چالش‌های این قرارها و ارائه راهکار است؛ به‌عبارتی هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که چالش‌ها و راهکارهای قرار نظارت قضایی کدام است؟ به‌منظور بررسی و پاسخ به سؤال مورد اشاره ابتدا، قرار نظارت قضایی در یک بحث اجمالی تبیین می‌شود و در ادامه از چالش‌های قرار نظارت قضایی بحث شده و درنهایت به ارائه راهکارها پرداخته می‌شود.

۱- قرار نظارت قضایی

مهم‌ترین هدف از صدور قرارهای نظارت قضایی اعمال حداکثری حق آزادی و در عین حال دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در محاکم قضایی می‌باشد. همچنین جلوگیری از متواری‌شدن یا مخفی‌شدن وی از دیگر اهداف صدور این قرارها می‌باشد. از این‌رو بازپرس در راستای تأمین اهداف مد نظر قرارهای نظارت قضایی بعد از تفهیم اتهام و انجام تحقیقات لازم و در صورت کشف دلایل و مستندات

قانون آیین دادرسی کیفری مقنن از قید علاوه بر استفاده نموده است، این بدان خاطر است که تصمیماتی که از ناحیه بازپرس قابل اعتراض است و در این ماده ذکر نشده است، مانند قرار توقیف، تحقیق قرار عدم دسترسی به پرونده قرار نظارت قضایی مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ۱۰ روز و برای افراد مقیم خارج از ایران ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ است. با عنایت به بندهای قرارهای نظارت قضایی در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار ضمن توجه به متهم و کاهش چشم‌گیر محدودیت‌های موجود در قرارهای تأمین برای او، به دغدغه‌های بزهدیده علی‌رغم عدم اثبات آن‌ها مورد توجه قرار داده و به دنبال بسط و گسترش عدالت ترمیمی است.

۲- چالش‌های قرار نظارت قضایی

در این قسمت به بررسی چالش‌های قرار نظارت قضایی پرداخته می‌شود.

۲-۱- اصل عدم استقلال

صدور و اعمال قرارهای نظارت قضایی مطابق با قانون سبب تحدید حدود آزادی‌های متهم می‌گردد، ولی محدودیت‌هایی که در سایه قرارهای نظارت قضایی اعمال می‌شود، بسیار خفیف بوده و اکثراً دارای جنبه بازدارندگی می‌باشند و بر حضور و فعالیت‌های اجتماعی نظارت دارند. مرجع قضایی می‌تواند در کنار قرار تأمین کیفری، قرار نظارت قضایی را به صورت تکمیلی صادر کند، البته امکان صدور قرار نظارت قضایی به‌طور مستقل نیز وجود دارد، اما فقط در جرایم تعزیری کم‌اهمیت صدور قرارهای نظارت قضایی به‌صورت مستقل ممکن است بنابراین قرارهای نظارت قضایی دارای دو نوع می‌باشند: تکمیل‌کننده و مستقل که بنابر اصول حاکمه بر قرارهای نظارت قضایی در نظام کیفری ایران اصل بر تکمیلی بودن قرار نظارت قضایی است، آن‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، قرارهای نظارت قضایی تکمیل‌کننده شامل معرفی نوبهای منع رانندگی، منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط، ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز ممنوعیت خروج از کشور می‌باشند که برای جرایمی که در قانون بدان‌ها

کافی اقدام به صدور یکی از قرارهای تأمین می‌نماید (بابایی، ۱۳۸۷: ۶۷-۴۷). براساس ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «اصل بر تکمیلی بودن قرار نظارت قضایی می‌باشد و بایستی توأم با قرارهای تأمین موضوع ماده ۲۱۷ صادر گردد و اگر در مواردی متهم نسبت به اجرای مرتکب تخلف گردد، قرار نظارت ملغی شده و منجر به صدور قرار تأمین شدیدتر می‌گردد.» قانون‌گذار در ماده ۲۵۴ به این موضوع پرداخته و این در حالی است که مطابق با تبصره ۱ ماده ۲۴۷ امکان صدور قرار نظارت به‌صورت مستقل نیز پیش‌بینی گردیده است. در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چنان‌چه تضمین مورد نیاز جهت جبران خسارت وارده ارائه گردد، مقام قضایی این اختیار را دارد که صرفاً به صدور قرار نظارت قضایی بسنده کند و اگر متهم از اجرای قرار نظارت مستقل تخلف کرد، قرار مذکور به قرار تأمین متناسب مبدل می‌گردد. وقتی که فردی به جرمی متهم می‌شود، مرجع قضایی می‌تواند دو قرار تأمین و قرار نظارت قضایی را بر وی صادر نماید. قرار تأمین به چند نوع تقسیم می‌گردد که نسبت به قرارهای نظارت قضایی شدیدتر است و براساس قانون تحت شرایط و ضوابط خاصی صادر می‌شود. اصل بر قابل اعتراض بودن قرارهای نظارت قضایی صادره می‌باشد. «قرارهای نظارت قضایی این قابلیت را دارند که در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ صادر گردند و چنان‌چه تضمین لازم جهت جبران خسارت وارده ارائه گردد، مقام قضایی می‌تواند اقدام به صدور قرار نظارت قضایی نماید. قرارهای نظارت قضایی به استناد تبصره ۲ ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه صالح است و چنان‌چه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر است. براساس ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری درخصوص تصمیمات قابل اعتراض بازپرس اعلام نظر شده است، این تصمیمات به دو شکل ذیل تقسیم‌بندی می‌شود: ۱- تصمیمات قابل اعتراض از ناحیه شاکی قرار منع تعقیب قرار موقوفی تعقیب و قرار اناطه؛ ۲- تصمیمات قابل اعتراض از ناحیه متهم قرار بازداشت موقت، ابقا و تشدید تأمین» (امیدی و سیدحسینی، ۱۳۹۵: ۴۰-۲۳). در ماده ۲۷۰

تصریح شده و به‌عنوان جرم تعریف شده‌اند، برای مدت محدود صادر می‌شود (یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۲).

براساس ماده ۲۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. در مواردی که به نظر دادگاه تحقیقات دادرسی کامل نباشد بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادرسی بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقض تحقیق باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه بازپرس تحقیقات خود را ادامه می‌دهد.» مطابق ماده ۲۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز «در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه بازپرس مکلف است متهم را احضار و موضوع اتهام را به او تفهیم کند و با اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب از وی پرونده را به دادگاه ارسال نماید.»

دادگاه بدون نقض قرار صادره صرفاً تکمیل تحقیقات را از مرجع تحقیق می‌خواهد. در این حالت دادگاه مکلف است موارد نقض تحقیق را به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم خود قید نماید و مرجع تحقیق نیز ملزم به رفع نواقص مطروحه بدون صدور قرار و ارسال پرونده به دادگاه است.

لازم به‌ذکر است چنان‌که دادگاه کیفری ۱ قرار نظارت قضایی صادر کند، مرجع اعتراض آن دادگاه تجدید نظر همان استان خواهد و چنان‌چه دادرسی قرار نظارت قضایی صادر نماید و برحسب مورد در آن حوزه دادگاه کیفری ۱ یا انقلاب مستقر نباشد، مرجع اعتراض به این قرار رییس دادگستری آن بخشی خواهد بود که دادرسی در آن واقع شده است.

جنبه تکمیلی بودن قرار نظارت قضایی به‌خودی‌خود سبب می‌گردد تا پروسه صدور آن به‌لحاظ شکلی نیز فرع بر صدور قرار تأمین کیفری دیگری قرار گیرد و این موضوع نه‌تنها صدور آن را تحت‌الشعاع قرار داده و محدود می‌کند، بلکه بین شرایط صدور آن با قرارهای دیگر تأمین ایجاد اشتراک می‌نماید و بدین‌وسیله برخی اوقات شرایطی برای صدور آن قائل می‌شوند که ضرورت ندارد و با ماهیت این قرار نیز همخوانی ندارد. به هر ترتیب اتخاذ تشریفات اینچنینی و

تبعی و در واقع اضافی برای صدور قرار نظارت قضایی، از یک سو سبب ایجاد التزام مضاعف برای مقام قضایی می‌گردد و از سوی دیگر نیز با لحاظ‌نمودن شرایطی به‌عنوان لزوم تحقق بعضی شرایط صدور از طرف متهم، صدور این قرار تحت الشعاع قرار خواهد گرفت.

۲-۲- نقض اصل برائت و محدودیت آزادی‌های فردی و حقوق اجتماعی

براساس اصل برائت، تا قبل از اثبات گناهکاری و صدور حکم قطعی محکومیت، نمی‌توان آزادی هیچ شهروندی را سلب یا محدود نمود. تا زمانی که پرونده در دادرسی و در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارد، امکان مجازات متهم وجود ندارد، زیرا هنوز گناهکاری او به اثبات نرسیده است. قرارهای نظارت قضایی به‌عنوان راهکارهای نوین مد نظر قانون‌گذار از طریق مقرره‌هایی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ایران پا به عرض وجود گذاشت، قرارهای نظارت قضایی مثل قرارهای تأمین کیفری سبب محدودکردن آزادی‌های متهم می‌گردد، ولی این محدودیت‌ها خفیف بوده و بیشتر دارای جنبه بازدارندگی است و بر حضور و فعالیت‌های اجتماعی متهم نظارت دارد. قرار نظارت قضایی به‌عنوان یکی از نوآوری‌های قابل توجه در آیین دادرسی کیفری ایران علاوه بر گسترش حوزه قرارهای جانشین بازداشت وارد نظام کیفری ایران شده است. از این‌رو قرارهای نظارت قضایی از جایگزین‌های قرار سلب آزادی بزهکار را حذف نموده و موجب شود تا بزهکار در عین حالی که آزاد است، تحت کنترل و نظارت نظام عدالت کیفری قرار گیرد (آشوری، ۱۳۹۸: ۴۵).

واقعیت این است که فرد برای مدتی حال چه این مدت کم باشد و چه زیاد، به هر روی انسانی از حقوق فردی خود محروم شده است، حقوقی مثل حق آموشد آزاد، حق اشتغال حق رانندگی و حقوقی از این دست و یا این‌که انجام تکلیفی بر وی تحمیل شده، مثل معرفی نوبه‌ای وقتی که بی‌گناه بودن فرد محرز شود و حکم بر برائت وی و یا قرار منع تعقیب صادر گردد، قانون نیز پیش‌بینی‌هایی در این باب نموده است. براساس ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جبران

شامل نمی‌شود. این قرار اساساً در خصوص جرایمی صادر می‌گردد که ارتکاب آن ناشی از رانندگی با وسیله نقلیه موتوری می‌باشد، مانند ایراد صدمات بدنی و حتی قتل غیرعمدی ناشی از رانندگی با وسایل مذکور، لذا قاضی پرونده با بررسی مدارک و اوضاع متهم و این‌که وجود وسیله نقلیه موتوری در دست متهم می‌تواند زمینه‌ساز تحقق جرم باشد، وی را از رانندگی منع می‌کند، در بند «ث» ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این مجازات پیش‌بینی شده است. قرار مذکور، علی‌القاعده پس از ثبوت تخلف یا جرم مرجع قضایی صادر می‌شود، درحالی‌که در بسیاری از مواقع، مراجع انتظامی خود راساً در صورت بروز تخلفات رانندگی نسبت به توقیف اتومبیل و منع رانندگی مرتکبین مظنون به تخلف می‌نمایند که در بسیاری از موارد باعث تضییع حقوق افراد می‌شود، البته شاید به دلیل فرهنگ رانندگی در کشورمان، بتوان اقدام پلیس را به منظور پیشگیری از تخلف مجدد توجیه کرد، اما به هر حال از نظر حقوقی این مسأله قابل تأمل است. این بند نیز مانده موارد قبلی برگرفته از بند ۸ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه می‌باشد» (تدین، ۱۳۹۱: ۱۳۶). «با این تفاوت که در قانون فرانسه به منع رانندگی با هر نوع وسیله نقلیه اعم از موتوری و غیرموتوری اشاره شده است، ضمن آن‌که در قانون مزبور گواهی‌نامه شخص نیز وصول خواهد شد. همچنین بازپرس می‌تواند اجازه دهد که متهم از گواهی‌نامه رانندگی خود برای فعالیت‌های شغلی‌اش استفاده کند. شبیه این قرار در بند «ح» ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری در قالب دستور دادستان در جرایم تعزیری با درجات ۶ و ۷ و ۸ با شرایطی به منظور تعلیق تعقیب پیش‌بینی شده است» (رحیم زاده، ۱۳۹۳: ۲۷). در رابطه با قرار منع رانندگی با وسایل نقلیه باید یادآور شد که اصولاً منع صورت گرفته تا پایان تحقیقات مقدماتی و اجرای مجازات ادامه خواهد یافت، زیرا قرارهای تأمین و نظارت قضایی از تاریخ صدور تا زمان اجرای حکم یا رأی برائت و منع یا موقوفی تعقیب ادامه خواهد یافت، البته این منع در بند «ح» ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری جدید - دستور دادستان به تعلیق تعقیب در جرایم تعزیری درجات ۶ و ۷ و ۸ با حصول شرایط مندرج در ماده مذکور - حداکثر به مدت یک‌سال می‌باشد.

خسارت را در چنین مواردی فقط مختص کسانی می‌داند که در طول تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر دلیلی بازداشت شده‌اند و فقط این افراد می‌توانند براساس ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری خسارات مادی و معنوی که در نتیجه بازداشت بر آن‌ها تحمیل شده و یا منافع ممکن‌الوصولی را که در طول بازداشت از آن محروم مانده را مطالبه کرده و اخذ نمایند. از این رو در راستای جبران خساراتی که به سبب قرارهای نظارت بر فرد متهم تحمیل شده و در نهایت متهم حکم بر برائت دریافت نموده و یا قرار منع تعقیب برایش صادر شده، هیچ مقرره‌ای پیش‌بینی نشده و مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است (خالقی، ۱۳۸۳: ۵۷-۳۵).

۲-۳- مشخص نبودن مرجع مربوطه در صدور قرار معرفی نوبه‌ای

زمانی که قانون وضع می‌شود باید تمامی نکات واضح و مشخص بیان گردد، به عنوان مثال در ماده ۱۶۹ به روشنی بیان می‌نماید: احضار متهم به چه صورت انجام می‌شود و در ماده ۱۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نحوه نوشتن احضاریه مشخص گردیده است، ولی در دستور معرفی نوبه‌ای، قانون به صورت واضح و روشن مشخص ننموده است که مثلاً در صورت صدور چنین دستوری متهم خود را به کدام نهاد یا مرکز و در چه مدت زمانی معرفی نماید. اولین ایراد وارده به متن قانون این است که در دستور معرفی نوبه‌ای قانون به صورت واضح و روشن مرجعی که باید متهم خود را به آن معرفی نماید را مشخص ننموده است و وظیفه مرکز یا نهاد مشخص نیست، البته به موجب آیین‌نامه اجرای قرار نظارت قضایی تا حدودی این نقیصه برطرف شده است که می‌توان به ماده ۵ آیین‌نامه اجرای قرار اشاره نمود: «مرکز یا نهاد موضوع بند «الف» ماده ۲۴۷ قانون عبارت است از: ۱- واحد اجرای احکام کیفری یا مددکاری اجتماعی حوزه قضایی؛ ۲- ضابطان دادگستری اعم از عام و خاص حسب مورد.»

۲-۴- مشخص نبودن وظیفه دادسرا در خصوص اطلاع مراجع ذی‌صلاح در امر صدور گواهی‌نامه

«منع رانندگی درحقیقت جنبه پیشگیرانه از ارتکاب عمل مجرمانه از طریق رانندگی با وسیله نقلیه موتوری دارد. آوردن قید وسیله نقلیه موتوری سایر وسایل نقلیه غیرموتوری را

اسلحه وظیفه نگهداری اسحه کدام مرکز می‌باشد؟ نحوه ضبط و نگهداری مجوز سلاح چگونه و به‌عهده کدام مرکز است؟

ماده ۲۴۹ قانون‌گذار بیان می‌دارد: «در صورت صدور قرار ممنوعیت از نگهداری سلاح مجوزدار، سلاح و پروانه مربوطه اخذ و به یکی از محل‌های مجاز نگهداری سلاح تحویل می‌شود و بازپرس مراتب را به مرجع صادرکننده پروانه اعلام می‌کند». در اینجا نامی از مرجع تحویل‌گیرنده به میان نیاورده است، این در حالی است که در اجرای تبصره ماده ۱۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن آیین‌نامه اجرایی شیوه نگهداری اموال توقیف‌شده مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ ریاست محترم قوه قضاییه که شامل ۱۶ ماده می‌باشد، برابر ماده ۱۳ در مورد کالای قاچاق، انواع سلاح جنگی از طریق یگان کاشف به نماینده ذی‌ربط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تحویل داده می‌شود و سلاح شکاری و انواع سلاح سرد به دستور مقام قضایی جهت نگهداری موقت به آمار ناجا تحویل می‌گردد، ولیکن هیچ تصریحی در ماده ۲۴۷ در خصوص دستور ممنوعیت نگهداری از سلاح مجاز بیان نشده است، مرجعی به‌صورت روشن و واضح برای نگهداری سلاح در نظر گرفته نشده است.

۲-۶- مشخص‌نشدن وظایف نهادهای مختلف در صدور قرار ممنوعیت خروج از کشور

«برابر بند «ث» ماده ۲۴۷ قانون جدید آیین دادرسی کیفری مرجع قضایی می‌تواند خروج متهم را از کشور ممنوع کند. این قرار در ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ هم پیش‌بینی شده بود. براساس ماده ۲۴۸ قانون جدید مدت اعتبار قرار منع خروج از کشور شش‌ماه و قابل تمدید می‌باشد، لذا چنان‌چه مقام قضایی لازم بداند، می‌تواند هر شش‌ماه یک بار آن را تمدید نماید. این قرار پس از ابلاغ، ظرف ده‌روز قابل اعتراض می‌باشد. بند «ح» ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ هم این قرار را مطرح کرده است. ضمانت اجرایی این بند، اعلام ممنوعیت خروج از کشور متهم از طریق قاضی تحقیق، به اداره گذرنامه است تا مقامات قانونی از اعطای گذرنامه و یا اجازه خروج به متهم تحت نظارت قضایی، خودداری کنند» (آخوندی، ۱۳۸۵: ۱۲۵). «بند

ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، چنان‌چه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده را جبران گردیده باشد... دادستان متهم را حسب مورد مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند.» انجام کار عام‌المنفعه در ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام‌المنفعه به مدت یک سال و یا در دستور منع رانندگی با وسایل نقلیه، وظیفه دادسرا مشخص نشده است که در هنگام صدور چنین دستوری، دادسرا باید چه اقدامی در خصوص اطلاع مراجع ذی‌صلاح در امر صدور گواهی‌نامه انجام دهند.

۲-۵- مشخص‌نبودن مرجع نگهداری سلاح در صدور قرار ممنوعیت از سلاح مجوزدار

«ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز در بند «ت» ماده ۲۴۷ قانون جدید بیان گردیده است و در بند ۱۴ ماده ۱۳۸ ق.آ.د.ک فرانسه هم به آن اشاره شده، با این تفاوت که سلاح تحویل گرفته‌شده در فرانسه به دفتر دادگاه تحویل می‌شود و رسید آن تحویل متهم می‌گردد» (تدین، ۱۳۹۱: ۱۳۷). در راستای اجرای این قرار ماده ۲۴۹ قانون جدید دادرسی کیفری اشعار می‌دارد: «در صورت صدور قرار ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز، سلاح و پروانه مربوطه اخذ و به یکی از محل‌های مجاز نگهداری سلاح تحویل می‌شود و بازپرس مراتب را به مرجع صادرکننده پروانه اعلام می‌کند» که در ایران سلاح تحویل محل‌های مجاز نگهداری می‌شود. «باتوجه به مفاد این بند به‌نظر می‌رسد جرم خاصی مد نظر تدوین‌کنندگان این بند از ماده ۲۴۷ نبوده است، همین اندازه که سلاح وسیله ارتکاب بزه بوده و یا این‌که بودن سلاح در دست متهم، ایجاد خطر و جرمی خواهد بود، این قرار می‌تواند صادر شود. شبیه این قرار نیز همانند قرارهای قبلی در بند «خ» ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری در قالب دستور دادستان در جرایم تعزیری با درجات ۶، ۷ و ۸ با شرایطی به منظور تعلیق تعقیب پیش‌بینی شده است» (رحیم‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۷).

در دستور ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز وظیفه مقام قضایی در چگونگی نظارت بر این دستور مشخص نشده است، آیا باید سلاح تحویل گرفته شود، در صورت گرفتن

که بر حقوق شهروندان ایجاد می‌کنند، قابل توسعه به سایر تدابیر و اقدامات محدودکننده نیستند.

با این حال، گاه دیده می‌شود که برخی قضات با برداشتی نادرست از بند «پ» ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری و در قالب قرار نظارت قضایی، دستور منع فعالیت متهم در فضای مجازی و یا به‌طور خاص منع فعالیت او در فیس‌بوک، توئیتر یا اینستاگرام را صادر می‌کنند. بند «پ» ماده ۲۴۷ قانون مذکور از منع «اشتغال» به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی صحبت می‌کند، نه از منع «اقدام» به این فعالیت‌ها. کلمه «اشتغال» به‌خوبی نشان می‌دهد که ممنوعیت مورد نظر، یک ممنوعیت «شغلی» یا حرفه‌ای است، نه یک محدودیت در فعالیت اجتماعی.

آیین‌نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت و تأمین قضایی مصوب ۱۳۹۵/۰۱/۲۲ رییس قوه قضاییه نیز در ماده ۱۱ خود منظور از فعالیت مرتبط با جرم ارتكابی را کاری دانسته است که «جرم به‌سبب اشتغال به آن شغل، کسب، حرفه یا غیر آن ارتكاب یابد یا اشتغال به آن، وقوع جرم را تسهیل نماید.» منظور از «غیر آن» در این ماده نیز سایر مصادیق هم‌جنس با عناوین قبل از آن، مانند پیشه یا صنعت است، نه هر کاری. ماده ۱۲ این آیین‌نامه هم صادرکننده این دستور را مکلف به ابلاغ مراتب به «کارفرما و یا بالاترین مدیر یا مسؤول محل اشتغال متهم و یا نهاد و سازمان مربوط» دانسته است و قطعاً منظور از آن، ابلاغ دستور منع استفاده متهم از توئیتر و اینستاگرام به صاحبان و مالکان این شبکه‌های اجتماعی مجازی که اساساً در ایران نیستند، نمی‌باشد.

۳- راهکارها

در این قسمت به بررسی راهکارهای رفع چالش‌های قرار نظارت قضایی پرداخته می‌شود. درخصوص خلأ قانونی در موارد پیش‌گفته در بحث چالش‌ها، موارد چالش مشخص و در راستای رفع آن‌ها لازم است قانون‌گذار اقدامات مقتضی به عمل آورد.

۳-۱- ضرورت مستقل‌بودن و تکمیلی‌نبودن ماهیت صدور قرار نظارت قانونی

«ذ» ماده ۸۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز دقیقاً همین دستور را از طرف دادستان برای متهمین جرایم تعزیری درجات ۶، ۷ و ۸ با حصول شرایطی به‌منظور تعلیق تعقیب پیش‌بینی کرده است» (رحیم‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۷).

در دستور ممنوعیت خروج از کشور و وظیفه‌ای برای هیچ نهادی مشخص نشده و وظیفه دادسرا مشخص نگردیده است. متأسفانه با توجه به متن صریح ماده ۲۵۲ درخصوص شیوه اجرای قرار نظارت قضایی که وزیر دادگستری و رییس قوه قضاییه را ملزم به تهیه و تصویب آیین‌نامه اجرا قرار نظارت قضایی پس از شش‌ماه نموده است، متأسفانه این آیین‌نامه پس از مدت زمان طولانی آیین‌نامه ابلاغ گردید که این امر را می‌توان از نکات ضعف قانون مذکور شمرد، البته ریاست محترم قوه قضاییه به‌موجب آیین‌نامه‌ای که در ۳۱ ماده و ۴ تبصره در تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۲۲ تصویب نمود تا حدودی ابهامات را برطرف نموده است.

۲-۷- نادیده‌گرفته‌شدن اصل قانونی‌بودن جرم و دستور منع فعالیت متهم در حوزه‌های فراتر از قانون

مراجع قضایی نه‌تنها در «تشخیص» رفتارهای مجرمانه، بلکه در «برخورد» با متهمان ارتكاب این رفتارها نیز باید مطابق قانون عمل کنند. اولی، اصل «قانونی‌بودن جرایم»؛ دومی، اصل «قانونی‌بودن دادرسی کیفری» نامیده می‌شود. اصل اخیر در قسمتی از اصل ۳۶ قانون اساسی، ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری آمده و عدم رعایت آن موجب مسؤولیت شرعی و قانونی است.

از جمله مقررات مربوط به نحوه انجام تحقیقات و رسیدگی به اتهامات، ضوابط مربوط به صدور قرارهای نظارت قضایی است که مشتمل بر دستورهایی است که بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی و علاوه‌بر صدور قرار تأمین برای مدت معین صادر کند. اصل قانونی‌بودن دادرسی کیفری و لزوم رعایت حقوق شهروندان در دستگاه قضایی ایجاب می‌کند که قاضی در صدور قرارهای نظارت قضایی تابع قانون و محدود به دستورهای مقرر در قانون در قالب این قرارها باشد. این دستورها به‌طور حصری در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری احصا شده‌اند و به‌دلیل محدودیت‌هایی

برای این که قرار نظارت قضایی به طور واقعی و عملی ثمر دهد، بایستی یک قرار مستقل و جانشینی باشد تا بتوان در راستای احقاق حقوق شهروندی و آزادی‌های متهم به طور عملی گام برداشت. صدور قرار نظارت قضایی در کنار قرار تأمینی نمی‌تواند متضمن حفظ حقوق و آزادی‌های فردی باشد، چون وسعت عمل را محدود می‌کند. با اعمال مستقل قرار نظارت قضایی می‌توان قدم‌های بلندتری در راستای پیشگیری از جرم به خصوص در مرحله‌ای که اشخاص در مظان اتهام هستند و بنابر اصل برائت بی‌گناه بوده و هنوز متهم به ارتکاب جرم هستند.

«در آیین دادرسی کیفری ایران، گرچه در بیشتر موارد کاربردی مصادیق قرارهای نظارتی را می‌توان در قرار عدم خروج از کشور مشاهده نمود، اما رفته‌رفته عنوان قرار نظارت قضایی با هدف جای‌گیری در مجموعه‌ای از دستورات نظارتی وارد قانون آیین دادرسی کیفری شده است. این قرار، از جمله قرارهای تأمین نوینی به حساب می‌آید که در واقع این عنوان از حقوق فرانسه گرفته شده و وارد قانون آیین دادرسی کیفری ایران گردیده است. از زمان آغاز دوباره پروسه تدوین قانون آیین دادرسی کیفری که به سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ برمی‌گردد و اصلاحیه نهایی آن در سال ۱۳۹۰ قرار نظارت قضایی را پیش‌بینی نمود که البته بعضی از قسمت‌های آن با تغییراتی مواجه گردید. مطابق با ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار نظارت قضایی قرار تأمینی محسوب می‌شود که در بعضی موارد و موضوعات به طور فرعی و تکمیلی ضمن صدور قرار تأمین و در بعضی موارد به طور اصلی و مستقل، با اعمال یک یا چند مورد از دستورات پنج‌گانه متناسب با جرم ارتكابی برای متهم صادر می‌شود. از این رو در این قانون این قرار با خصوصیت غالبی تکمیلی بودن مورد قبول قرار گرفته است» (امیری و مسعودی مقدم، ۱۳۹۵: ۱۰۲). لازم به ذکر است که در قوانین کشور فرانسه قرار نظارت قضایی یک قرار اصلی و مستقل می‌باشد و مبنای بر این روال قرار گرفته که قرار مذکور توسط مقام قضایی صادر گردد.

«رویکرد تدوین‌کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری در پیش‌بینی این ماهیت برای قرار نظارت قضایی باعث می‌شود تا کارکردهای آن نیز جنبه‌ای تکمیلی به خود گرفته و از مبانی برون‌رفت از معایب بازداشت پیش از محاکمه و حرکت در جهت نیل به اهداف جایگزین‌ها بازماند، زیرا نهادی تکمیلی است و صدور آن به اختیار مقام قضایی واگذار شده و هر لحظه ممکن است به علت اعمال سلیقه از سوی وی صدور آن با مانع مواجه گردد» (غلامرضایی آزاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲). از طرفی دیگر نیز هرچند هدف نخستین صدور قرار نظایب بازپروری و اصلاح متهم است، زمانی که قرار نظارت قضایی به عنوان تدبیری تکمیلی و فرعی قلمداد گردد، نه تنها از هدف اصلی خود دور می‌افتد، بلکه بار مضاعفی بر دوش متهم خواهد بود که مغایر با حقوق انسانی او جلوه می‌کند.

۲-۳- تشریفات اجرا و ایجاد بستر فرهنگی اجرایی‌شدن قرارها

مطابق با ماده ۲۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری شیوه اجرای قرارهای نظارت قضایی به تدوین آیین‌نامه‌ای واگذار شده است، اما در خصوص اتخاذ طریقه اجرا صحیح این قرار باید به دو مبحث توجه نمود: یکی مبحث مرتبط با تشریفات اجرا این قرار می‌باشد؛ مبحث دیگر ایجاد بستر فرهنگی در راستای اجرایی‌شدن این قرارها می‌باشد. در مورد تشریفات اجرا می‌توان مدت زمان اجرای دستورات اشخاصی که بایستی موضوع هریک از این دستورات قرار بگیرند، مشخص گردد و به خصوص ایجاد هیأتی نظارتی بر کنترل و تحت نظر قراردادن هرچه بهتر و مؤثرتر مشمولین این قرار می‌تواند بسیار مثمر ثمر واقع شود و اعضای این هیأت نیز توسط مقنن مشخص گردد. لازم به ذکر است که چنین هیأتی می‌تواند به طور قابل ملاحظه کارایی این قرار را افزایش دهد. همچنین تهیه و تدوین تدابیر راهبردی در راستای گسترش پذیرش جامعه نسبت به افرادی که چنین قرارهایی برایشان صادر می‌گردد و با توجه به اجتماع‌محور بودن اکثر دستورات مندرج در قرار نظارت قضایی لازم است که ارزش‌های منطبق با نیاز اشخاص به آزادی و همچنین لازمه‌های وفاداری و احترام متهمین به ضوابط و مقرره‌های مندرج در قرار نظارت

صورت استثنا مستقلاً صادر می‌گردد، این امر سبب شده که فلسفه وجودی وضع چنین قراری که همانا حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی متهم است تا حدی زیادی تأمین نگردد.

امکان صدور قرار نظارت قضایی قراری برای اطفال و نوجوانان وجود ندارد، زیرا تابع اصل عدم محدودیت برای اطفال و نوجوانان بزه‌کار می‌باشد و قانون در موارد استثنایی و چنان‌چه لازم باشد، قرار تأمین کیفری را برای اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نموده است، از این رو استثنائات قابل تسری به قرار نظارت قضایی نمی‌باشد.

اشکال غالب بر تکمیلی قلمداد نمودن قرار نظارت قضایی است و نه نحوه تقسیم‌بندی مبحث تقسیم‌بندی به قرارهای تأمین و استفاده توأمان قرار نظارت قضایی در باب تقسیم بندی ایرادات کمتری مشاهده می‌شود و شاید با نظام حقوقی ایران سازگارتر باشد، اگر دستورات ماهیتاً نظارتی را به جای این‌که ذیل قرار تأمین کیفری قرار دهند، ذیل قرار نظارت ذکر نمایند.

بومی‌سازی جایگاه و خاستگاه قرار نظارت قضایی مقنن ایرانی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اگرچه با تبعیت محض از قانون‌گذار فرانسه گام برداشت، اما می‌توانست صورت دیگری نیز اقدام نماید. به عبارت بهتر چنان‌چه تمایل به پایبندی و تبعیت از قرارهای پنج‌گانه تأمین کیفری مندرج در ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری وجود داشت و به‌طور کامل این تمایل احراز می‌گردید، پیشنهاد می‌شد قرارهای پنج‌گانه به قوت سابق می‌ماندند، اما در کنار آن‌ها قرار نظارت قضایی به‌طور مستقل پیش‌بینی می‌شد که با جمع مقرره‌های نظارتی ذیل این عنوان تشریفات قانونی آن نیز به‌صورت متناسب مد نظر قرار می‌گرفت.

پیشنهاد می‌گردد در بعضی از دستورات قرار نظارت قضایی پیش‌بینی اعلام رضایت متهم مد نظر قرار گیرد و در برخی دیگر از این دستورات، تشخیص مقام قضایی لازمه صدور این قرار باشد. این امر در واقع یک پیشنهاد افتراقی است و در موضوعاتی که بحث تحدید حقوق اشخاص حساس بوده و در اولویت است، مثل دستور معرفی نوبه‌ای اخذ گردد و در

قضایی در دستور کار قرار گیرد و مطمئناً واگذار کردن چنین وظایف خطیری به یک هیأت یا کارگروه اجتماعی می‌تواند در راستای تحقق این اهداف بسیار مؤثر واقع شود. پیش‌بینی هیأت نظارت جهت نظارت بر اجرای هرچه بهتر مندرجات قرار نظارت قضایی باتوجه به نوع وظایفی که در نتیجه صدور قرار نظارت قضایی بر متهمان و یا مجرمین تحمیل می‌شود، ضرورت اجرای مفاد این قرار ایجاب می‌نماید که هیأتی نظارتی متشکل از ناظرینی متخصص به دولت مدد برساند. در راستای تحقق اهداف قرار نظارت قضایی این هیأت باید متشکل از متخصصان علومی مثل علم جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و متصدیان قضایی باشد، شکل‌گیری چنین هیأتی از یک‌سو سبب می‌گردد که متهمین نسبت به اجرای مفاد مندرج در قرار نظارت قضایی بی‌تفاوت نبوده و این واقعیت را درک کنند که اندکی تخطی در به‌جا آوردن دستورات و مفاد قرار نظارت قضایی توسط مسؤولین رصد خواهد شد و از سوی دیگر شکل‌گیری چنین هیأتی سبب کاهش بسیاری از مسؤولیت‌هایی می‌شود که بر دوش مقامات قضایی صادرکننده این قرار گذاشته شده است و می‌تواند نهایتاً به تقویت متناسب بودن تصمیمات اتخاذی در صدور قرارها نیز نیانجامد، ضمناً وجود چنین هیأتی می‌تواند به شکل‌گیری واقعی پرونده‌های شخصیت برای متهم و تأثیر آن بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس کمک شایانی نماید.

نتیجه‌گیری

احترام به حقوق افراد به‌خصوص حق آزادی دارای آنچنان جایگاه ویژه‌ای است که سیاست‌گذاران جنایی را واداشت تا با اتخاذ تدابیری حداکثر حمایت را از افراد جامعه به‌عمل آورده و در راستای تحقق حقوق شهروندی گام برداند که نهایتاً ایران نیز نمی‌توانست مستثنی از این اقدامات باقی بماند. در واقع هدف مقنن از تأسیس قرارهایی موسوم به قرار نظارت قضایی به‌دنبال تحقق اهداف هم‌سو با سیاست‌های نوین جنایی بوده که هدف اولی پیشگیری از جرم می‌باشد و همچنین به‌دنبال تحقق اهدافی دیگری مثل تضمین حقوق بزه‌دیده نیز بوده است. در نظام کیفری ایران قرار نظارت قضایی دارای تنوع و گستردگی زیادی نیست و صدور این قرار بیشتر حالت تکمیلی و فرعی داشته و در موارد اندکی به

- بابایی، محمدعلی (۱۳۸۷). «تحولات نظام دادرسی کیفری در پرتو قانون‌گذاری اسلامی - انطباق». مجله حقوقی دادگستری، ۷۲(۶۳-۶۲): ۴۷-۶۷.

- تدین، عباس (۱۳۹۱). *قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه*. چاپ اول، تهران: نشر خرسندی.

- خالقی، علی (۱۳۸۳). «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول محاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل». مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱(۲): ۳۵-۵۷.

- خالقی، علی (۱۳۹۱). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ شانزدهم، تهران: نشر دانش.

- رحیم‌زاده، سپیده (۱۳۹۳). *قانون آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول، تهران: نشر معاونت حقوقی ریاست جمهوری.

- غلامرضایی آزاد، هدیه؛ کوشکی، غلامحسین و مهرا، نسرین (۱۳۹۸). «شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری». مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۴(۴۵): ۲۹-۵۲.

- یوسفی، ایمان (۱۳۹۲). *تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل / جاودانه.

مواردی که بنابر دستورات الزامات تحقیقی یا بحث حمایت از حقوق جامعه دارای اهمیت بیشتری است، مانند عدم خروج از کشور و یا دستور منع رانندگی رضایت متهم ملاک عمل قرار نگرفته و تشخیص این موضوع به صلاحدید مقام قضایی واگذار گردد، چون در این موارد قرار نظارت برای تحقق اهداف نظارتی و کنترلی بیشتر از آن‌که نیازی به نظر متهم داشته باشد، به صلاحدید مقام قضایی وابسته است؛ این دیدگاه در اکثر کشورهای جهان من جمله در حقوق فرانسه نیز پذیرفته شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: به صورت برابر.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- امیدی، طاهره و سیدحسینی، سیدسعید (۱۳۹۵). «تحلیل حق دادرسی عادلانه در پرتو اسناد حقوق بشری با نگاهی به قوانین ایران». *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۱(۵): ۲۳-۴۰.

- امیری، میلاد و مسعودی مقام، اسدالله (۱۳۹۵). «قرارهای نظارت قضایی در حقوق کیفری نوین ایران». *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۲(۱): ۱۱۹-۱۳۳.

- آخوندی، محمود (۱۳۸۵). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- آشوری، محمد (۱۳۷۶). *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*. چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.

- آشوری، محمد (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ بیست‌ویکم، تهران: انتشارات سمت.